

در نقد مطالب مطرح شده
از سوی آقای دکتر حمید رضا جلایی پور
در باره شرکت در انتخابات دوره هفتم مجلس شورای
اسلامی ، آنهم بخاطر حمایت از " نظام ولایت فقیه " !

محتوی بعضی از گفتار و نوشتار و تصمیمات دو ، سه ماه اخیر عده ای از رهبران و فعالین نیروهای سیاسی معروف به " **دوم خردادی** " ، " **اصلاح طلب** " ، " **جبهه مشارکتی** " ، ... ، بیانگر این امر هستند که برخی از افراد وابسته به این نیروها در مواضع سیاسی خود - آنهم در چگونگی امر بر خورد با سیاست و عملکرد جناح " **تمامیت خواه** و سرکوبگر " رژیم و مخالفین " **حاکمیت قانون** و اصلاحات " - ، تجدید نظر کلی کرده اند . اگر چه هیچ یک از این سیاستمداران اصلاح طلب و قانونمدار تا کنون بطور واضح و با صراحت ، سمت و سوی سیاست جدید خود و محتوی آن را با " **مردم** " در میان نگذاشته اند . ولی این نیروها در نوشتار و گفتار های اخیر خود سعی کرده اند با طرح یکسری مسائل و ادعاهای خیالی ، غلط و بی پایه ، با بخشی از نیروهای آزادیخواه ، دموکرات و قانونمدار ایرانی که طرفدار جدائی دین از دولت و حکومت هستند (**نیروهای " لائیک "** و " **سکولار** " ولی نه نیروهای ضد دین و " **آنتیست** ") و با " **نظام ولایت فقیه** " مخالف می باشند ، اگر چه عده ای از نیروهای سکولار و لائیک ، حتی خود را ملتزم به " **حاکمیت قانون** " و در حقیقت " **التزام اجرائی** به قانون اساسی جمهوری اسلامی " - تا زمانیکه این قانون اساسی تغییر پیدا نکرده است - ، می دانند ، دست به خط کشی زده اند . البته تمام نیروهای لائیک و سکولار چون ، **هیچگونه " حقی " را بعنوان " حقوق فراقانونی " برای " مقام رهبری " برسمیت نمی شناسند و " حکم حکومتی "** از سوی ایشان را قانون شکنی و عملکردی استبدادی می دانند ، نظراتی که به اختلافات نظری موجود بین " **نیروهای دموکراتیک لائیک و سکولار** " و برخی از " **نیروهای مذهبی دموکرات** " اضافه شده است .

شواهد امر حکایت از این امر دارد که **خط کشی برخی از " اصلاح طلبان مذهبی " با " نیروهای دموکراتیک لائیک و سکولار " ، بدین خاطر است که آنها چون طرفدار " حکومت دینی " نیستند و از لحاظ عقیدتی با " ولایت فقیه " مخالف می باشند و همچنین بر این امر تاکید دارند که " نظام دموکراسی " نسبت به **ایدئولوژی و ادیان موضعی بیطرف دارد** و مواضعی همچون " **نظام مردم سالاری دینی** " را چیزی جز سرپوش گذاشتن بر ماهیت غیر دموکراتیک " **نظام دین سالاری** " نمی دانند ، موضعی که با مواضع برخی از نیروهای اصلاح طلب مذهبی در تضاد قرار دارد .**

شاید یکی از دلایل سکوت نیروهای مذهبی اصلاح طلب در تغییر مواضعشان در این امر باشد که این افراد بخوبی با این مسئله آشنائی دارند که " **جناح تمامیت خواه** " رژیم ، با وجود اینکه از پشتیبانی " **مقام رهبری** " و بخش بزرگی از " **روحانیت دولتی** " نیز برخوردار هستند و علاوه بر اینکه قوه قضائیه ، شورای نگهبان و بخش بزرگی از دیگر نهاد های انتصابی از جمله بنیادهای اقتصادی و مالی را در اختیار دارند ، شدیداً مورد

تتفر و انزجار مردم ایران هستند . تتفر و انزجار مردم ایران نسبت به این جماعت قانون شکن و تمامیت خواه و پول پرست ، بحدی است که این نیروها اگر در یک " انتخابات آزاد " که از قانون ارتجاعی " نظارت استصوابی " خبری در میان نباشد و رژیم جمهوری اسلامی به آزاد بودن مطبوعات تن دردهد و از روزنامه ها و مجلات و ماهنامه ها رفع توقیف کند و برای عقاید ایرانیان احترام قائل شود ، نخواهند توانست حتی با کمک صدای و سیمای جمهوری اسلامی و سوء استفاده از صحن نماز جمعه و دروغ پردازیهای نویسندگان کیهان ، رسالت ، جمهوری اسلامی ...، از پشتیبانی ۵ درصد از مردم ایران بر خور دار شوند . با توجه به چنین وضعیت اسف باری که " جناح تمامیت خواه رژیم " با آن روبروست، روشن است که سیاست مماشات افراد و نیروهای مدعی اصلاح طلبی وقانونمداری با این نیروها نمی تواند بسادگی مورد تأیید عناصر و نیروهای آزادیخواه طرفدار " نظام جمهوری و مردم سالاری " که با " نظام ولایتی " ، استبداد و چپاولگری مخالف هستند ، قرار گیرد .

آقای دکتر حمید رضا جلالی پور استاد دانشگاه ، که یکی از کادرهای اصلی و صاحب نظر " جبهه مشارکت اسلامی " می باشد ، در چند روز قبل (۴ آبانماه ۱۳۸۲) ، در جمع گروهی از مردم شهر جهرم استان فارس به توضیح سیاست جدید مورد نظر خود پرداخته و در رابطه با انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی بیان داشته اند " با توجه به وضعیت کنونی منطقه و دنیا همه جناحها و گروههای سیاسی باید کاری کنند که مردم با حضور در پای صندوقهای رای حمایت خود را از نظام نشان دهند. " (تکیه از من است) این فعال اصلاح طلب و قانونمدار ، همچنین بر این امر تا کید فرموده اند که " حتی اگر مردم اصلاح طلبان را انتخاب نکنند، باید کاری کرد که برای حفظ منافع ملی و مملکت اسلامیمان در انتخابات به صورت گسترده شرکت کنند. " . (تکیه از من است)

البته در گزارشی که در رابطه با محتوی سخنرانی این کادر فعال سیاسی "جبهه مشارکت اسلامی " ، روی صفحه سایت های اینترنتی منتشر شده است ، توضیحی داده نشده است که منظور این استاد محترم از بیان "گروههای سیاسی باید کاری کنند " ، چیست ؟ و روشن نیست که "گروههای سیاسی" مورد مخاطب ایشان به چه کاری باید دست زنند تا عملکردشان در خدمت پاسخ به هدف مورد نظر آقای دکتر جلالی پور ، یعنی بوجود آوردن یک وضعیت سیاسی باشد که آن وضع بیانگر " مشروعیت ملی و قانونی " برای برندگان انتخابات دوره هفتم مجلس شورایملی ، شود .

آقای دکتر جلالی پور ، فرستادن مردم به پای صندوق های رای ، حتی اگر انتخابات بنفع کاندیداهای جناح مخالف اصلاحات و قانونمداری – یعنی نیروهای همچون طرفداران مؤتلفه اسلامی و آقایان آیت الله جنتی ، عسگراولادی ، آیت الله مصباح یزدی ، حسین شریعتمداری ، قاضی مرتضوی ... – ، تمام شود را ، عملی در خدمت " حفظ منافع ملی " ارزیابی می کنند . علاوه بر این، جناب دکتر جلالی پور سعی نموده اند تا " حفظ منافع ملی " را برابر و یکسان با " حمایت " مردم از " نظام " ، جلوه دهند . بدون اینکه به این مسئله توجه داشته باشند که اگر " حفظ منافع ملی " بطور " جدی " و نه از جنبه " تبلیغاتی " مدّ نظر باشد ، چگونه می توان بوسیله نمایندگان " جناح تمامیت خواه رژیم " ، جناحی که اصولا کوچکترین ارزشی برای " ملت " و " ملیت " و " حقوق شهروندی " قائل نیست و افتخار دارد که " ملت ایران " را به نیروهای " خودی " و " غیر خودی " تقسیم می کند و با شعار تبلیغاتی جبهه مشارکت ، مبنی بر " ایران برای تمام ایرانیان " سر لجاجت داشته است و در حقیقت نیروی سیاسی ارتجاعی و تمام خواهی است که بخاطر سیاست سرکوب

و چپاولگری اش ، در بین مردم ایران ملقب به "مافیای قدرت و ثروت" ، شده است
— لقبی که بعضی از اصلاح طلبان ، از جمله برخی از ایران دوستان و آزادیخواهان
عضو "جبهه مشارکت اسلامی" در معرفی و افشای ماهیت آن جناح به مردم ایران نقش
بزرگ و ارزنده ای داشته اند — ، در این جهت عمل کرد ؟

برای خوانندگان متن سخنرانی آقای دکتر جلالی پور روشن نیست که جناب دکتر، بر پایه
کدام استدلال و تحلیل به این نظریه رسیده اند ، که "گروه های سیاسی" که با افشاگری
و روشنگری و دامن زدن به بحث و گفتگو در رابطه با "حقوق شهروندی" و "حقوق
بشر" و "حق تعیین سرنوشت" و مخالفت با نظام استبدادی مذهبی و دفاع از "نظام
دمکراسی و مردم سالاری" ، عمل می کنند ، سیاست و عملکردشان در خدمت "حفظ
منافع ملی" ملت ایران نیست ؟ با توجه به این مسئله که برخی از این افراد ، همچون
آقای دکتر علی رضا علوی تبار که حتی تحت عنوان "ائتلاف های تازه" ، گامی برای نو
سازی جبهه دوم خرداد" (ماهنامه آفتاب ، شماره ۲۰ ، آبانماه ۱۳۸۱) در پی یک "ائتلاف
قدرتمند" بودند و با طرح نظرات خود به یکسری بحث های نظری دامن زدند (این
جانب در نقد مطالب مطرح شده از سوی آقای دکتر علوی تبار مطلبی به نگارش در آورد
که علاوه بر انتشار از طریق بعضی سایت های اینترنتی ، همچنین در ماهنامه آفتاب شماره
۲۱ — آذر ۱۳۸۱ چاپ شد) تا از آن طریق "جناح تمامیت خواه" رژیم را مجبور کنند که
بخاطر "منافع ملی و مملکت اسلامی" هم که شده است ، تن به اجرای "قانون اساسی
جمهوری اسلامی" دهند و از قانون شکنی و عملکردهای فراقانونی و پامال کردن حقوق
مردم ، دست بردارند و به "حقوق ملت" ، همان "حقوق محدودی" که قانون اساسی
جمهوری اسلامی برای "ملت" در نظر گرفته است احترام بگذارند .

روشن نیست که چرا تاکید بر این خواست ، مبنی بر این که اعضای شورای نگهبان طبق
اصول قانون اساسی باید موظف باشند از قانون شکنی و عملکردهای جناحی و گروهی
دست بردارند و به مصوبه مجلس دوره ششم که در رابطه با الغای قانون ارتجاعی
"نظارت استصوابی" ، همان قانونی که در مغایرت کامل با اصول قانون اساسی جمهوری
اسلامی دارد ، مخالفت نورزند و از این طریق کمک کنند تا "همه جناحها و گروههای
سیاسی" بتوانند با استفاده از "حقوق قانونی" خود ، به معرفی کاندیدای مورد نظر و
اعتماد خود ، بدون وجود هیچگونه "فیلتری" ، بپردازند و در اثر رقابت های انتخاباتی با
یکدیگر ، جوّ سیاسی ای در جامعه بوجود آورند که در اثر آن جوّ ، "مردم" بطور
گسترده در "پای صندوق های رأی" حضور یابند و با رأی خود در جهت "تغییرات"
در جامعه عمل کنند و از آن طریق در "حفظ منافع ملی" بطور آگاهانه بکوشند؟ با توجه
به این واقعیت که حتی آقای دکتر جلالی پور، نیز در گفتارش بر این امر اذعان کرده اند
که : "در جامعه تقاضا برای تغییرات جدی است" .

آقای دکتر جلالی پور بر این نظر است که "تداوم مقاومتی که مخالفان اصلاحات از خود
نشان می دهند ممکن است جامعه رابه بن بست بکشاند" . البته ایشان روشن نکرده اند که
از به "بن بست" رسیدن "جامعه" چه برداشت و تفسیری دارند ؟ در جامعه فلاکت زده
ایران چه اتفاقات و جنایاتی باید مجدداً رخ بدهد ، تا بتوان از مواجه شدن "جامعه ایران"
به "بن بست" صحبت کرد؟

آقای دکتر جلالی پور علاقه زیادی دارد تا "همه جناحها و گروههای سیاسی باید کاری
کنند که مردم با حضور در پای صندوقهای رأی حمایت خود را از نظام نشان دهند" . ولی
روشن نیست که چرا ایشان قصد دارند تا نسبت در صد شرکت مردم در انتخابات

نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی را — اگر نسبت بالائی باشد — ، بحساب "حمایت" مردم از "نظام" بگذارد. البته منظور ایشان از "نظام" ، "نظام ولایت فقیه" می باشد .

بنظر من عاقلانه تر است که آقای دکتر جلالی پور بخاطر پاسخ به این خواست خود ، که آیا مردم ایران از "نظام ولایت فقیه" "حمایت" می کنند و یانه؟ و تناسب موافقت و یا مخالفت مردم بر پایه چه نسبت و درصدی خواهد بود . از خواست "رفراندوم" که مدتهاست از سوی بسیاری از نیروهای سیاسی اپوزیسیون مطرح شده است ، پشتیبانی کنند. برای اینکه در آن انتخابات خدای نکرده "مسلمانی" بفکر تقلب نیفتد ، "کمیسیونی" ، برای برگزاری صحیح "رفراندوم" ، که در برگزیده نمایندگان تمام سازمانهای سیاسی طرفدار نظام و مخالفین نظام باشد ، تشکیل شود . همچنین نمایندگانی از سوی سازمان ملل و سازمانهای طرفدار حقوق بشر، نیز بعنوان ناظر در آن "کمیسیون" حضور داشته باشند.

اگر رژیم جمهوری اسلامی حاضر به قبول "رفراندوم" در رابطه با بود و یا نبود "نظام ولایت فقیه" گردد ، در چنین حالتی آقای دکتر حمید جلالی پور و جهانیان شاهد این واقعیت خواهند شد که مردم ایران با حضور گسترده خود در پای صندوق های رأی ، بخاطر تأیید و یا طرد "نظام ولایت فقیه" شرکت خواهند کرد .

رژیمی که از پایه مردمی و حمایت اکثریت مردم ایران برخوردار باشد ، اصولاً احتیاج به این امر ندارد تا متوسل به قانون ارتجاعی "نظارت استصوابی" شود و از این طریق از شرکت مخالفین خود در مبارزات و فعالیت های پارلمانی جلوگیری کند و یا احیاناً با پر کردن صندوق های رأی و شمارش آراء بنفع خود ، دست به تقلب زند.

آیا "نظامی" که مورد تأیید ملت نباشد ، حال هر نامی که بر خود گذاشته باشد ، "نظامی" غیر مردمی و ارتجاعی نخواهد بود ؟

بنظر ما سوسیالیست های مصدقی ، حمایت از "نظام غیر مردمی" ، بر عکس نظرات آقای دکتر جلالی پور ، هیچ افتخاری با خود به همراه ندارد . این وظیفه نیروهای آزادیخواه و مخالف با "استبداد" و "دیکتاتوری" هست که با تمام نیرو به روشنگری و افشاگری در باره ماهیت و خصوصیات چنین "نظامی" دست زنند و "ضد ارزشهائی" که چنین "نظامی" با خود به همراه دارد را بر ملا کنند .

دکتر منصور بیات زاده

۷ آبان ۱۳۸۲

socialistha@ois-iran.com
www.ois-iran.com